

محمد حبشی کارآفرینی از جنس ورزش و پهلوانی



کشتی باچوخه با نام قوچان و اسفراین و در واقع با نام خراسان رضوی و شمالی عجین شده است. قوچان نقطه آغاز نام آورانی همچون پهلوان احمدوفادار و قربان محمد بهادری است و از آنها به نیکی یاد می شود. شمار زیادی از جوانان با تأسی از این نام آوران و در ادامه ی مسیر پیشینیان خود، پای در این عرصه می گذارند تا این آیین فرهنگی و ارزشی را پاس بدارند. محمد حبشی در چنین فضا و حال و هوایی بزرگ شده و در سالهای زندگی خود از وقتی با الفبای ورزش آشنا شده است، همچون پدر بزرگش که در روزگار خود پهلوانی نامی در منطقه دهستان سنگر بود، از این میادین فاصله نگرفت و بارها بر سکوی افتخار ایستاد. در ادامه گفتگو با مهندس حبشی، از حوزه فعالیت های اقتصادی فاصله می گیریم و پیرامون حضور در ورزش و جایگاه این جغرافیا از ایران عزیزمان در کشتی با چوخه و پهلوانی به گفتگو می نشینیم:

ورزش را از چه سال هایی شروع کردید؟

چون پدر و پدر بزرگم کشتی گیر بودند، من هم از بچگی دنباله رو آنها شدم. پدر بزرگم در «دهستان سنگر» که مجموع شامل ۲۷ روستا است، عنوان دار بودند و در «دهستان سنگر» معمولاً در روز ۱۳ و ۱۴ فروردین مردم جمع می شوند و کشتی می گیرند. یکی از آن محل ها یک گود کشتی در منطقه ای به نام امام زاده عبدالله دواب است که جمعیتی بالغ بر ۶ هزار نفر از این ۲۷ روستا جمع می شوند تا به تماشای مسابقات کشتی بنشینند. محل دیگری که مسابقات کشتی در آن برگزار می شود، منطقه ای به نام امام زاده «شاهزاده علی» است که در بلندی کوهی مرتفع واقع شده و راه بسیار صعب العبوری دارد. پدر بزرگم در این گودها کشتی می گرفتند و در دوره خود در این رشته عنوان دار بودند. در آن زمان نه تحصیلاتی داشتند و نه وسیله ارتباطی بود که به شهرها دسترسی داشته باشند و برای مسابقات استانی و کشوری چه بسا افراد با استعدادی هم بودند که به خاطر نبود امکانات، این استعدادها هدر می رفت. از بچگی یکی از اقوام در مراسم عروسی دست من را می گرفت و به مهمانان می گفتند که محمد کشتی گیر من است و هر کس می تواند با او کشتی بگیرد بلند شود و من با هم سن و سالهای خود کشتی می گرفتم.

چه زمانی احساس کردید به یک نوعی از ورزش رسیده اید که می توانید در یک رقابت حضور داشته باشید؟

این مهم بیشتر یک عشق و علاقه است تا نبوغ، همان طور که قبلاً گفتم، چون از بچگی کشتی می گرفتم و مردم هم در آنجا توجه ویژه ای داشتند، یک اعتماد به نفسی در من شکل گرفته بود که بیایم و خودم را در سطح باشگاهی و گودهای معروف محک بزنم. زمانی که قوچان بودم و در دبیرستان نمونه درس می خواندم، سال دوم دبیرستان به باشگاه «شهید حسنی» که زیر نظر آموزش و پرورش بود و بیشتر دانش آموزان دبیرستانی در آنجا تمرین می کردند، رفتم. اولین مربی من آقای کریم خلاق بود که انسانی بسیار با اخلاق و منظم بودند.

نزدایشان تمریناتم را شروع کردم. ۱۷ ساله بودم که بود در وزن ۵۹ کیلو در کشتی آزاد، قهرمان استان شدم. در آن زمان استان خراسان تقسیم نشده بود، وقتی در استان خراسان مقام می آوردم جزو سه نفر اول بودی. سال بعد از آن چون کنکور داشتم، ورزش را کنار گذاشتم. برای تحصیلات و درس اهمیت زیادی قائل بودم و متوجه شده بودم که از ورزش به تنهایی منفعت اقتصادی نخواهم برد و باید یک پشتوانه مالی خوب داشته باشم و بعد به خاطر عشق و علاقه ورزش را دنبال کنم.

آسانسور را ثبت و برای خودم حاشیه امنیت شغلی ایجاد کردم، دوباره کشتی را شروع کردم و این بار کشتی با چوخه را انتخاب کردم چون در سنی نبودم که بتوانم کشتی آزاد را دنبال کنم و در اصطلاح می گویند بدن جواب نمی دهد، اینگونه بود که کشتی با چوخه را شروع کردم و چندین مقام آوردم. سبک و سیاق و طرز لباس پوشیدن کشتی با چوخه با کشتی آزاد خیلی فرق می کرد. کشتی با چوخه ورزشی است که در سال به طور تقریبی ۳۰ رقابت دارد و هر کشتی گیر

رسیده است و رسانه ها هم به آن خیلی پرداخته اند و دست اندرکاران آن منطقه، شرایط را خوب مدیریت کردند و با حمایت مالی و اسپانسی تعدادی از کارخانه داران منطقه و استخدام تعدادی از بچه های ورزشکار در رشته های جودو، کوراش و کشتی با چوخه از خراسان شمالی و اسفراین توانستند به کشتی با چوخه آن منطقه جانی دوباره ببخشند، مسئولین منطقه هم به رشد آن گود، خیلی کمک کردند. نماد ورزش خراسان شمالی، همان «گودزینل خان» است ولی ما در

است که مسابقه ای را برگزار کنم و کشتی آنجا را از صورت سنتی خارج و به شکل کشتی امروزی، با قرعه کشی و وزن کشی و به شکل رسمی تبدیل کنم. با کمک دوستان آن منطقه و دھیاران و شوراها که واقعا نسبت به همه آن ها ارادت خاصی دارم و به من همیشه لطف داشتند و دارند، یک کانال تلگرامی تشکیل دادیم و همه ی این افراد را عضو کردیم. همه جمع شدند و پول گذاشتند تا هزینه جوایز تامین شود، از تربیت بدنی فاروج مجوزها را گرفتیم و از نیروی انتظامی منطقه

به قوچان، دیار قهرمانان، پهلوانان و نام آوران خوش آمدید



● تصاویری منتخب و ماندگار از حضور افتخار آمیز مهندس محمد حبشی در مسابقات و میادین ورزش کشتی باچوخه

هم برای تامین نظم و امنیت مسابقات نیرو گرفتیم، از هلال احمر پزشکیار آوردیم، از انجمن کشتی باچوخه درخواست داور کردیم و داورهای رسمی آمدند و خوشبختانه مسابقات کشتی خوبی برگزار شد که در بحث مدیریت ورزشی یک کارنامه قابل دفاع محسوب می شود. در سال ۱۳۹۷ من طی حکمی رئیس اتاق فکر کشتی با چوخه مشهد شدم، جناب «سرهنگ صمد رودهی» رئیس انجمن کشتی با چوخه مشهد بودند و من آن زمان هم مشاور ایشان و هم رئیس اتاق فکر انجمن کشتی با چوخه مشهد بودم. وقتی که ایشان از انجمن استعفا دادند و کنار رفتند، طبیعی بود که حکم من هم منتفی

خراسان رضوی «رهورد» قوچان و گود «بنی هاشم برغمد» را داریم که خیلی رشد کرده بود ولی به دلیل عدم هماهنگی مدیرانی که آنجا را مدیریت می کردند، آن گود کمی کم رنگ شد...

در حوزه مدیریتی، مربی گری، اسپانسی چطور؟ آیا فعالیت دارید؟

در حوزه اسپانسی، چند سال پیش بنده یک مسابقه در همان منطقه خودمان، «امام زاده عبدالله دو آب» برگزار کردم. در آن زمان خودم کشتی می گرفتم و به خاطر اینکه دنده ام در یک مسابقه ضرب دیده بود و نمی توانستم در مسابقات شرکت کنم، دیدم فرصت خوبی

می تواند ۳۰ بار خودش را محک بزنند ولی در کشتی آزاد هر سال در یک مسابقه شرکت می کنیم و باید تا مسابقه دیگر یکسال به انتظار بنشینیم. در کشتی باچوخه می توانیم هر هفته برویم «مهدی آباد بولوار توس» گود شهید بابا نظر و در حضور حدود ۵ هزار نفر کشتی بگیریم و لذت ببریم. این شد که من به سمت کشتی با چوخه آمدم. اصل و خاستگاه کشتی با چوخه هم خراسان است و شناسنامه، فرهنگ و تمدن چند صد یا چند هزار ساله دارد. ما «گود اسفراین» را هرگز از یاد نمی بریم. گود اسفراین قدمت زیادی دارد و از لحاظ شکوه جمعیتی، در چند سال اخیر است که به حد مورد انتظار

قهرمان که باشیم بعد از گذشت سالها فراموش می شویم و باید با یک بدن پر از آسیب و زخم و شکستگی، تازه باید دنبال کار و شغل بگردیم. من با شناختی که از این موضوع پیدا کرده بودم، همان سال ضمن این که قهرمان استان شدم و مربی ام خیلی اصرار می کرد که حتماً بیا و در اردو مسابقه های کشوری همدان شرکت کن، من تهران بودم و نرفتم مشهد. آن سال آقای رضا اسماعیلی که نفر دوم شده بود و در شیروان بود را به جای من بردند، ایشان در مسابقات کشوری در همدان، نفر چهارم شدند. از آن زمان به بعد من ورزش را به صورت حرفه ای کنار گذاشتم. بعد از ازدواج، زمانی که شرکت

شد. وقتی جناب آقای احمد شکفته که اصالتی قوچانی دارند و از قهرمانان خوشنام هستند، رئیس انجمن شدند، من را به عنوان مشاور انتخاب کردند، بعد از مدتی نائب رئیس ایشان، در انجمن با چوخه کشور شدم و این همکاری یکسال و اندی ادامه پیدا کرد و این مدت ما به سهم و اندازه خودمان در بحث مدیریتی کمک های خیلی خوبی کردیم. زمانی که ۳۶ ساله بودم کرونا آمد و در ایام کرونا به فکر تأسیس کارخانه افتادم، مشغله های کاری زیاد شد و کرونا هم ماندگار شد و این اتفاقات باعث شد که من از آن سبک کار کردن در ورزش، خودم را کنار بکشم و روی میحت تولید و فعالیت های کارخانه متمرکز شوم. ناگفته نماند که یک یا دو سال قبل از تأسیس کارخانه، مسابقه ای در بجنورد بین دانشگاه های سطح کشور برگزار شد که من در رده سنگین وزن، قهرمان دانشجویان کشور شدم. اکنون هم به عنوان یک طرفدار، کارشناس و یک آدم دلسوز در حوزه ی کشتی با چوخه بسیار فعال هستم.

به کشتی باچوخه بگویم کشتی پهلوانی یا باهم فرق دارند؟

نه فرق می کند. کشتی با چوخه به نوعی از کشتی می گویند که با یک لباس خاصی کشتی می گیرند و اسم آن لباس «چوخا» است و این رشته به خاطر لباسش به این اسم نامگذاری شده است. فن و فنون آن بسیار شبیه به «جودو» و «کوراش» است. در تیم ملی جودو، کسانی که به المپیک راه پیدا کردند، «علی معلومات» چوخه کار چنارانی است، «جواد محبوب» چنارانی است، آقای «بهرروز پرهیزگار» مشهدی است، عباس فلاح و علی محمد نیا از مانه سملقان، الیاس و حسین علی اکبری از اسفراین، امیر قاسمی نژاد از چناران، حجت رهنما از قوچان و... که این قرابت فنی باعث شده که به موفقیت در این زمینه برسند.

ورزشکاران مورد علاقه شما؟

از لحاظ فکری و عقیدتی، اعتقاد و ارادت عجیبی به جناب آقای «رسول خادم» دارم و وقتی مشهد می آیند که گاهی ایشان را می بینم. در حوزه ورزش در ایران، آقای تختی که سرلوحه و سردمدار پهلوانی و جوانمردی است.